

## **Precedence over Ethnicity: Hanafi Islamic Organizations and Institutions in Baluchistan of Iran**

**Hoseyn Jahan Tigh**\*

**Akbar Khajeh**\*\* **Zahra Jahan Tigh**\*\*\*

(Received on: 2019-01-31; Accepted on: 2019-06-12)

### **Abstract**

Research on the superiority of "religion" over "ethnicity" is a new subject that Baluch religious and ethnic thinkers have sought to explain. Shiites or those in charge have paid less attention to this issue, but some of them look at it as a limited and confrontational question and consider ethnicity superior. A study of Baluch sociological issues reveals another fact that is the title of this article. In this research, phenomenological method, participatory interview, epistemological foundations (influential personalities) and non-epistemological foundations (political and cultural) have been used. The aim of the research is to show a new method of renewal according to the narration that Abu Dawud, one of the authors of the six Sunni books whose authenticity is agreed upon, quoted, in his book, from the Prophet as saying "At the beginning of every hundred years, God sends someone to revive His religion". "Someone" in the above narration refers to both the individual and the religious assemblies and centers. As a result, the Baluch Sunni community has formed a religious scientific movement and has surpassed and preceded its counterpart, ethnicity.

**Keywords:** Religion, Centers of Religious Sciences, Religious Leaders, Ethnicity.

---

\* Assistant Professor, Department of Wahhabi Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), h.jahantigh@urd.ac.ir.

\*\* Instructor, Department of Political Science, Payame Noor University, Iran, khajehakbar1979@pnu.ac.ir.

\*\*\* Master's Graduate in Education, Zahedan, Iran, zahrajahantigh85@yahoo.com.

# پژوهش نامه مذاهب اسلامی

«مقاله پژوهشی»

سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۳۱۷-۳۳۵

## تقدم مذهب بر قومیت: سازمان‌ها و نهادهای اسلامی حنفی مذهب بلوچستان ایران

حسین جهان تیغ\*

اکبر خواجه\*\* زهرا جهان تیغ\*\*\*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۲]

### چکیده

پژوهش درباره برتری «مذهب» بر «قومیت» موضوع جدیدی است که اندیشمندان دینی و قومیتی بلوچ در صدد چرایی آن برآمده‌اند. شیعیان یا متصدیان امور، کمتر به این مسئله توجه کرده‌اند ولی برخی از آنها به صورت شبهه محصوره و تقابلی به آن می‌نگرند و قومیت را برتر می‌دانند. تتبع در مسائل جامعه‌شناختی بلوچ، نمایانگر واقعیت دیگری است که عنوان این مقاله است. در این پژوهش از روش پدیدارشناسی و مصاحبه مشارکتی، بررسی مبانی معرفتی (شخصیت‌های تأثیرگذار) و مبانی غیرمعرفتی (سیاسی و فرهنگی) استفاده شده است. هدف پژوهش، نشان دادن شیوه تجدیدی جدیدی مطابق روایتی است که ابوداود، یکی از صاحبان کتاب‌های شش‌گانه اهل سنت که محل اتفاق هم هست، در کتاب سنن خویش از پیامبر نقل کرده است که فرمودند: «ان الله یبعث علی رأس کل مائة سنة من یجدد لها دینها»؛ «خداوند در ابتدای هر صد سال کسی را مبعوث می‌کند تا دینش را احیا کند». «مَن» موصوله در روایت فوق، هم به شخص و هم به مجامع و مراکز دینی اشاره دارد. در نتیجه جامعه اهل سنت بلوچ، نهضت علمی دینی‌ای را رقم زده و از زوج خویش، یعنی قومیت، پیشی گرفته و مقدم گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** مذهب، مراکز علوم دینی، بزرگان دین، قومیت.

\* استادیار گروه وهابیت‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول) H.jahantigh@urd.ac.ir

\*\* مربی گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، ایران Khajehakbar1979@pnu.ac.ir

\*\*\* کارشناس ارشد آموزش و پرورش، زاهدان، ایران ZahraJahantigh85@yahoo.com

## طرح مسئله

بلوچستان جامعه‌ای بسته و قومی است که اداره آن نیز بر همین مبنا شکل گرفته است. از قدیم‌الایام در رأس هر طایفه، یک نفر متنفذ با عنوان ریش سفید/ معتمد/ سردار/ خان و به تعبیر خود بلوچ‌ها «گماش» قرار دارد که مسئولیت امور قومش را عهده‌دار است. در سده اخیر، اتفاق جدیدی با عنوان «جایگزین کردن مذهب به جای قومیت» رخ داد. قصد ما تبیین پدیداری موضوع بوده که چرا برخلاف معمول، قومیت متأخر از مذهب شده است؟ هدف، نشان دادن نهادهای دینی بلوچ، رشد، ترویج و تبلیغ مذهب است که با بررسی اندیشه‌های عالمان و مجامع علوم دینی و بهره‌گیری از روایت تجدید ابوداود<sup>۱</sup> که در کتاب سنن خویش نقل کرده، شکل گرفته است.

بررسی نقش علما و مراکز دینی با تبیین آن از نظر نظم تاریخی حوادث، جایگاه مذهب و تقدم آن بر قومیت را با هویت بلوچ اثبات می‌کند. دو مؤلفه اصلی هویت، «دین» و «زبان» است که در دهه‌های اخیر به دلیل بافت قومی و مذهبی بلوچستان و توجه ویژه مدیران فرهنگی، سیاسی، نظامی، انتظامی و امنیتی، شکوفایی و جلوه‌های ویژه‌ای از خود بروز داده و قوم بلوچ را از حالت تک‌صدایی بیرون آورده و برنامه‌های مختلف دینی را با نسخه‌برداری از دو حوزه مرجع علوم مذهبی (دارالعلوم دیوبند شبه‌قاره و شعبات آن و نیز دانشگاه‌های مدینه منوره و ام‌القرای عربستان سعودی) به خوبی سامان داده است. تعلق‌های هویتی زبان قوم بلوچ نیز متکثر شده و تلفیق و التقاطی از فارسی، بلوچی، اردو، افغانی و عربی را دامن زده است.

در عصر جهانی بودن که انسان‌ها اغلب خود را جهان‌وطن می‌دانند، جهانی شدن و جهانی سازی رخ داده و این دو، عقیده، منش و رفتار بلوچ را نیز نشانه رفته است. جهانی شدن ما را با یک حرکت به سوی دو واقعیت متضاد می‌کشاند؛ یکی مبارک و دیگری نامبارک. اولی عام‌گرایی است و دومی همانندسازی. اصل بدیهی عام‌گرایی پذیرش وجود حقوق ذاتی کرامت شخص انسانی است که هیچ‌کس نباید آن را در حق هم‌نوعانش به علت دین، رنگ پوست، ملیت، جنس یا به هر علت دیگر انکار کند. یعنی هر تعرض به حقوق بنیادی مردان و زنان به نام فلان سنت خاص، مثلاً دینی، مخالف روح عام‌گرایی است. نمی‌توان از یک سو اعلامیه جهانی حقوق بشر داشت و از دیگر سو اعلامیه‌های خاص، اعلامیه مسیحی، اعلامیه یهودی، اعلامیه اسلامی، اعلامیه آفریقایی، اعلامیه آسیایی و غیره. در مقابل (اصل) عام‌گرایی، همانندسازی یا هماهنگ‌سازی فقیرکننده، برتری جویی ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی یا رسانه‌ای، هماهنگ‌سازی تحمیق‌کننده است؛ آنچه کثرت بیان زبانی، هنری، و فکری را دهن بند می‌زند، آنچه

در راستای دنیای تک‌صدایی بچه‌گانه است (معلوف، ۱۳۸۹: ۱۴۶). امین معلوف، نویسنده عرب مسیحی لبنانی تبار فرانسوی، این دو مؤلفه را این‌گونه شرح می‌دهد:

رقابت دین و زبان به حدی است که بسیاری از دولت‌ها که در محور یک زبان مشترک ایجاد شده بودند در اثر اختلافات دینی تجزیه شده‌اند و بسیاری از دولت‌ها که در محور یک دین مشترک تشکیل شده بودند در اثر اختلافات زبانی تکه‌تکه شده‌اند ... دین رسالت انحصارطلبی دارد، زبان ندارد. می‌توان در عین حال به زبان‌های عبری، عربی، ایتالیایی و سوئدی حرف زد، اما نمی‌توان در عین حال یهودی، مسلمان، کاتولیک و پروتستان بود؛ وانگهی، حتی وقتی که شخص خودش را در عین حال پیرو دو دین می‌داند، چنین موضعی برای دیگران پذیرفتنی نیست ... زبان از این ویژگی ممتاز برخوردار است که در عین حال هم عنصر هویتی است و هم ابزار ارتباطی. زبان استعداد آن را دارد که محور اصلی هویت فرهنگی باشد و گوناگونی زبانی، محور هر گوناگونی (همان).

اهمیت این تحقیق زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای متولی امور دینی و قومی بلوچ، اعم از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان، نظری بیفکنیم و متوجه شویم که روز به روز فاصله، شکاف و گسست اقوام و مذاهب بیشتر شده و از انسجام ملی و اسلامی کاسته شده است، به نحوی که اگر امور این‌گونه پیش رود، تبدیل انقطاع (گسستگی ترمیم‌پذیر) به انخلاع (گسستگی ترمیم‌ناپذیر) پیش‌بینی‌پذیر است. این پژوهش مبین فصل جدیدی در تحقیقات مسائل مذهبی و قومی بلوچ و بلوچستان است.

### پیشینه تحقیق

بحث درباره اسباب تفاوت قومیت و مذهب و انواع برداشت‌ها و تفاسیر از متن جامعه و عوامل مؤثر، برای تبیین رجحان مذهب بر قومیت ضروری است. کاوش در عوامل اثرگذار مذهب، محقق را بیش از پیش در درک موضوع یاری می‌رساند و مانع تعصب خام و دید بسته به جریانی خاص می‌شود و از این جهت برای تحقق مدعای پژوهش ضروری است.

مباحث قابل عرضه به عموم مخاطبان درباره قومیت و مذهب در بلوچستان به صورت شفاهی و بیشتر در اشعار و قوالی ذکر شده و به زبان فارسی، اندک و محدود است و منابع کم و ناقصی از برخی علمای اهل سنت به زبان‌های اردو و عربی وجود دارد که تعدادی از آنها در دو سه دهه قبل به فارسی برگردانده شده است، مانند: فقه الدعوة الإسلامية والاعلام عند المودودی تألیف

عبدالغنی الصاوی؛ اسلام دموکراتیک مدنی تألیف چریل بنارد و ترجمه عسکر قهرمان‌پور درباره جنبش‌های اسلامی و عرفان؛ بلوچ و بلوچستان اثر قاضی عبدالصمد سربازی و ترجمه محمد سلیم آزاد؛ بلوچستان نوین اثر طوقی؛ حکایت بلوچ تألیف محمود زند مقدم، سیمای تاریخی بلوچستان اثر عبدالغنی دامنی، زلزله تألیف ارشد القادری و ترجمه حسین جهان‌تیغ با موضوع نقد جماعت تبلیغ؛ نمادی از سنت در بلوچستان اثر چاپ‌نشده اکبر خواجه؛ گزارش‌های سازمان برنامه و بودجه، ترجمه‌ها، تألیفات و سفرنامه‌های حسین جهان‌تیغ از جمله: «نقد جماعت اسلامی»، «نقد جمعیت العلماء»، «نقد جماعت تبلیغ»، «همراه با جماعت تبلیغ»، «علما و تبلیغ»، «علما و مراکز مذهبی»، «ساختار حوزه‌های علمیه اهل سنت جنوب شرق ایران»، و نهضت‌های اصلاحی شبه‌قاره تألیف جمال‌الدین شیال.

در مبحث قومیت نیز آثاری از نظامیانی که در این منطقه مسئولیت داشته‌اند یا ترجمه برخی از نوشته‌های غربیان در دوره سلطه بریتانیا در زمان اشغال شبه‌قاره وجود دارد که برخی عبارت‌اند از: جغرافیای نظامی مکران تألیف تیمسار رزم‌آرا، عملیات قشون در بلوچستان تألیف تیمسار امان‌الله جهانبانی، مهاجمان سرحد اثر ژنرال دایر و آثار دیگری که درباره شناخت بلوچستان تألیف شده است. از این آثار می‌توان نتیجه گرفت که بلوچستان از دوران لائیک (جاهلیت) (به معنای ناآشنایی با امور دینی نه مخالفت با دین)، به سکولار (مدرنیته پهلوی) و سپس در زمان حاضر به ایدئولوژی (گذار از دینداری به دین‌فهمی) رسیده است. اما درباره «تقدم مذهب بر قومیت» منبعی وجود ندارد و در مسائل مذهبی نیز محدود و اندک است.

ضرورت تحقیق زمانی روشن می‌شود که محققان حوزوی و دانشگاهی خواسته یا سفارشی از سازمان‌ها، ادارات و نهادها برای رساله کارشناسی ارشد یا دکتری دارند، یا مدیران تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در امور اهل سنت ناچار از ارائه گزارش به مقامات مافوق یا اظهارنظر در جلسات کارشناسی هستند که در این صورت خود را فقیر و محتاج به اطلاعات کامل در زمینه چنین مسائلی می‌بینند. نوآوری این مقاله، بررسی تاریخی و تفحص در امور جزئی اصول تبلیغ امور دینی بلوچ است که بر اساس نظم تاریخی وقایع تنظیم شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که: چگونه در بلوچستان، مذهب بر قومیت برتری یافت؟

### بیان مسئله

در یکصد سال اخیر، مؤلفه‌های متعددی در حوزه مذهب رخ داد و جامعه بلوچ را به نحوی در بر گرفت که مسائل جامعه‌شناختی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و قومیتی را تحت الشعاع خود قرار

داد و برخلاف معمول از قومیت پیشی گرفت. از زمان شکل‌گیری زندگی قومی و قبیله‌ای در بلوچستان، قومیت دال محوری قوم بلوچ بوده است، اما در پژوهش حاضر که مربوط به دوره معاصر، یعنی پنج دهه آخر قرن بیستم تا زمان حاضر، است، موضوع جدیدی است که در این پژوهش بررسی خواهد شد.

رخداد انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ باعث به صحنه آمدن دین، روحانیت، رونق حوزه‌های علمیه و تبیین معارف اسلامی شد. در بین اهل سنت بلوچ نیز تأثیرات فراوانی بر جای گذاشت که باعث بیداری بدون دغدغه و پرهیز از درگیری، دست‌کم در نظام حکومتی و نهادهای اجرایی آن شد تا با خیالی آسوده به تبیین امور دینی، مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خویش مشغول شوند. این مقطع و بستر برای بلوچ، فرصتی طلایی به وجود آورد تا هویت مذهبی تازه‌ای پیدا کنند و از هر گونه وابستگی علمی به کشورهای مبدأ علمی خود (غالباً شبه‌قاره هند و عربستان سعودی) مستغنی شوند و خود، دارای مراکز مستقل گردند، ولی پیوندهای مذهبی و علمی‌شان را به طور کامل نگسستند، بلکه عمیق‌تر کردند.

برای تبیین و تشریح مسئله برتری مذهب بر قومیت در بلوچستان، «مراکز اسلامی» و نقش علما را که از آنها به «نهادهای یا سازمان‌های اسلامی» یاد می‌شود، فهرست‌وار ذکر می‌کنیم تا بستر و زمینه‌ای برای کسانی باشد که با مذهب و قومیت این منطقه کمتر آشنایی دارند یا نمود و نمادهای قومیت را برجسته‌تر می‌بینند. قبل از ورود به بحث لازم است یادآوری کنیم که در چهار دهه اخیر سازمان‌ها، نهادها و ادارات نیز بیشترین سهم از فعالیت‌ها و توجهشان را به مسائل مذهبی معطوف کردند و حتی در مسائل مرز، امنیت، قاچاق مواد مخدر، بانکداری اسلامی، مسائل تبلیغی، انواع انتخابات و ... دست به دامن مذهب و سران آن بوده‌اند. بیش از ۹۰ درصد فعالیت‌های نهاد نمایندگی رهبری در امور اهل سنت استان، که از سال ۱۳۶۹ تاکنون بیشترین فعالیت تخصصی در امور بلوچ‌ها را دارد، در حوزه مذهب است. حتی با ملاحظه در احکامی که رهبر انقلاب برای چهار نماینده خویش تاکنون صادر کرده‌اند متوجه خواهیم شد که نامی از قومیت برده نشده و بیشترین تأکید بر امور دینی، تبلیغی و فرهنگی بوده است. به صورت فهرست‌وار و خلاصه برای اثبات مدعای خویش نهادها و فعالیت‌های مذهبی بلوچ (اهل سنت) را بررسی می‌کنیم.

## ۱. مساجد

از گذشته‌های دور، هر زمان که چند خانوار بلوچ در جایی سکنا می‌گزیدند، با تشریک مساعی یکدیگر بهترین مکان را به مسجد اختصاص می‌دادند و بنایی زیباتر از منازل شخصی خود برای آن می‌ساختند.

مسجد از نظر نماد ظاهری، دارای چهار مناره کوچک بر روی دیوار بیرونی پشت بام به عشق خلفای چهارگانه بود و شاخصه درونی اش یک حیاط ویژه برای اقامه نماز در موسم گرما و سپس ایوانی دراز به گنجایش یک یا دو صف نمازگزار بود. بعد از ایوان، صحن داخلی مسجد بود که داخل آن چند جلد قرآن، رحل و مُشک داخل ظرف‌های سفالین قرار داشت و همیشه بوی خوش از آن استشمام می‌شد. تمام وسایل، حتی معماری مسجد، ارمغان شبه‌قاره بود که هنوز هم این‌گونه مساجد در مناطق جنوبی و ساحلی بلوچستان به چشم می‌خورد. در مراکز پرجمعیت‌تر مانند شهرها، هر طایفه و محله دارای مسجد منحصر به خود بود که حتی بعضی از مساجد به نام طایفه سازنده، محل سکونت طایفه یا شخص سازنده نام‌گذاری می‌شد. قدمت مساجد در برخی از مناطق بلوچستان مانند مسجد دَرگ در شهرستان سراوان و مسجد جامع تیس در چابهار به بیش از ۷۰۰ سال می‌رسد. مساجد با رشد و توسعه شهرها و فرهنگ شهرنشینی توسعه کمی و کیفی پیدا کردند و با مصالح و طراحی‌های جدید، شکل جدیدی به خود گرفتند و با مناره‌های بلندتر اعم از دو یا تک‌مناره، سر به آسمان کشیدند. امروزه مساجد مجلل و وسیع، تمامی مناطق بلوچستان را در بر گرفته است.

## ۲. مکاتب، مراکز حفظ قرآن و مدارس علوم دینی

از قدیم‌الایام در داخل یا جنب هر مسجدی، مکانی برای آموزش اولیه احکام و قرآن در نظر گرفته می‌شد که «مکتب‌خانه»، «دار التعلیم»، «تعلیم القرآن»، «تجوید القرآن»، «دار الحفظ»، «دار الحفاظ» یا «دار التحفیظ» و «مدرسه دینی» نام داشت. نام این مراکز، همان اسامی مراکز دینی شبه‌قاره است. به مرور زمان که مکتب‌خانه یا دارالتعلیم به مدارس دینی تبدیل می‌شد دروس بالاتر نیز تعلیم داده می‌شد. این موضوع و فعالیت جدی و گسترده علمای دین در کنار مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مذهب رسمی کشور باعث شد مردم توجه و اعتماد بسیار به علمای خود داشته باشند.

### ۲.۱. مکاتب دینی و مراکز حفظ قرآن

روحانیان در تقویت بنیه علمی و مذهبی فرزندان مردم کوشا هستند. در صورت تمکن مالی روحانی یا توانمندی وی برای جذب منابع مالی، اقدام به ایجاد مدرسه دینی، مسجد، عیدگاه (مصلی) و مرکز جماعت تبلیغ می‌کنند. این‌گونه کارها دارای سلسله‌مراتب است؛ یعنی زمینه ایجاد مدارس دینی مهم که دارای تعدادی طلاب، مدرس و ساختمان باشد ابتدا به صورت تدریس در مسجد محل با روخوانی قرآن مجید و برخی کتاب‌های ابتدایی دینی شروع می‌شود. سپس یک

اتاق گلی یا آجری (بسته به نوع ساخت ساختمان‌های مردم) به نام «مکتب‌خانه»، مجزای از مسجد اما جنب مسجد، ایجاد می‌شود؛ و اگر روحانی، تخصصی در قرائت و حفظ قرآن داشته باشد مکتب‌خانه ایجاد می‌شود. در این دوره به درس دینی ابتدایی (مکتب‌خانه)، یا تجوید قرآن (تجوید القرآن) یا حفظ قرآن (تحفیظ القرآن، دار التحفیظ، دار الحفظ، دار الحفاظ و...) اختصاص خواهد داد؛ در مرحله بعدی که اهم آن کثرت نیروی انسانی جوان است مکتب‌خانه را به مدرسه دینی، تحت پوشش یکی از مدارس دینی مهم شهرستان، استان یا کشور تبدیل خواهند کرد و بعد از چند سال در صورت تمکن مالی، علمی و... به صورت حوزه علمیه مستقل شروع به کار خواهد کرد.

## ۲.۲. مدارس علوم دینی

چنان‌که گفته شد، مدارس علوم دینی بالاترین سطح آموزش تعلیمات دینی اهل سنت بلوچ‌اند. چهار نوع گرایش متفاوت در مدارس دینی بلوچستان وجود دارد: مدارس دیوبندی؛ مدارس دینی جماعت تبلیغ؛ مدارس دینی سلفیه؛ مدارس دینی اخوانی (اخوان المسلمین و مودودی)؛ و مدارس دینی بریلوی.

مدارس دینی دو گرایش اول تحت پوشش شورای وفاق المدارس<sup>۲</sup> حوزه‌های علمیه دیوبندی قرار دارند. برخی از مدارس علوم دینی، مستقل از شورای فوق هستند که هرچند دیوبندی‌اند ولی از مصوبات آن شورا پیروی نمی‌کنند، مانند مدرسه دینی منبع‌العلوم کوهون شهرستان سرباز و فروع آن.

## ۲.۲.۱. مدارس دینی دیوبندی

این مدارس سه دسته است:

الف. مدارس دینی وابسته به «شورای وفاق المدارس» به مدیریت مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی و دارالعلوم مکی زاهدان که مهم‌ترین و بیشترین حوزه‌ها جزء این گروه‌اند، مانند دارالعلوم مکی، مخزن‌العلوم، مدینه‌العلوم، عین‌العلوم، اشاعة التوحید، دارالعلوم زنگیان، جامعه الحرمین، عزیزیه، صدیقیه، فاروق اعظم، فاروقیه، شمس‌العلوم، حقانیه و...

ب. مدارس دینی وابسته به «جماعت تبلیغ»؛ شاخه‌ای از دیوبندی‌ها که پذیرش طلاب و استادان در آن، از بین اعضا و وابستگان جماعت تبلیغ یا کسانی انتخاب می‌شود که به اصول این جماعت پای‌بندی دارند. اهم آنها مدرسه دینی توحید مرکز جماعت تبلیغ شهرستان زاهدان،



مدرسه رحمة للعالمین شهرستان سراوان و مدرسه دینی اقصی شهرستان خاش است که همگی از اعضای جماعت تبلیغ‌اند.

ج. مدارس دینی مستقل با گرایش عرفان و تصوف مانند منبع‌العلوم شهرستان سرباز و مدرسه انوارالعلوم بخش پشت‌کوه شهرستان سیب و سوران.

### ۲.۲.۲. برگزاری جشن‌های بزرگ‌داشت فارغ‌التحصیلی طلاب مدارس دینی مهم

از مهم‌ترین جشن‌های مذکور می‌توان به یکصدمین سال تأسیس دارالعلوم دیوبند هندوستان، برگزاری پنجاهمین سال تأسیس دارالعلوم کراچی و برگزاری یکصد و پنجاهمین سال تأسیس دارالعلوم دیوبند در شهر پیشاور پاکستان و ... اشاره کرد. در این‌گونه بزرگ‌داشت‌ها، کلیه فارغ‌التحصیلان مراکز علمی مذکور و اکثر مدیران مدارس دینی کشورهای هند، پاکستان، افغانستان، ایران و برخی کشورهای دیگر شرکت می‌کنند. در مراسم بزرگ‌داشت، علمای تراز اول شبه‌قاره سخنرانی می‌کنند و گزارش پیشرفت مدارس دینی و آمار طلاب داده می‌شود و جشن عمامه‌گذاری فارغ‌التحصیلانی که قبلاً به صورت انفرادی عمامه بر سر گذاشته‌اند، تبرکاً صورت می‌گیرد و با اعطای هدیه و دعا، جلسه را به پایان می‌رسانند.

### ۲.۲.۳. مدارس دینی سلفیه

اندیشه سلفیه یا غیرمقلدان بلوچ، متشکل از کسانی است که در پنج دهه اخیر تحصیلات دینی خویش را در عربستان سعودی، به‌ویژه دانشگاه اسلامی مدینه منوره و ام‌القری مکه مکرمه، به اتمام رسانده‌اند. نمود مراکز مذهبی این جریان مسجدسازی، مدرسه‌سازی، سبک درسی متفاوت با حنفی‌ها، منابع جدید متناسب با اندیشه سلفی، اقامه نمازهای جمعه و جماعات است.

### ۲.۲.۴. مدارس دینی اخوانی (اخوان‌المسلمین و مودودی)<sup>۳</sup>

از این سه نوع تفکر به سلفیت یاد می‌شود. در بلوچستان، تفاوت و اختلافی بین تفکرات سلفی، مودودی (جماعت اسلامی) و اخوانی (اخوان‌المسلمین) وجود ندارد اما علاقه‌مندند این‌گونه شناخته شوند. سلفی‌ها در کل کشور، به‌ویژه استان هرمزگان، سیستان و بلوچستان و کردستان، منتشرند. مراکز مهم آنها در شهرستان‌های سراوان، ایران‌شهر و کنارک است.

## ۵.۲.۲. مدارس دینی بریلوی‌ها

تعدادی از فرزندان بلوچ، به تبعیت از بقیه هموطنان خویش، برای تحصیل به پاکستان رفته و در مدارس صوفی‌ها وارد شده‌اند. صوفی‌ها بریلوی نامیده می‌شوند و اکثریت جمعیت و توده پاکستان را به خود اختصاص داده‌اند و گرایش به توسل و اذکار دسته‌جمعی عرفانی دارند، ولی همان کتاب‌های مدارس دیوبندی را در مدارس شان تعلیم می‌دهند. این عده بعد از بازگشت، روال مرسوم دینی خویش را در زیرمجموعه دیوبندی‌ها طی می‌کردند و امروزه به جایگاه‌هایی مانند نماز جمعه و مدرسه دینی دست یافته‌اند. صوفی‌ها را نمی‌توان در مقوله مشخصی گنجانند اما آنچه مشهود است از تساهل و تسامح بیشتری نسبت به بقیه مذاهب برخوردارند. چریل بنارد درباره اینها می‌نویسد:

ما آنها را جزء گروه مدرنیسم به حساب می‌آوریم. صوفی‌گری تفسیری باز و روشنگرانه از اسلام به دست می‌دهد. تأثیر صوفی‌گری بر دوره‌های تحصیلی، هنجارها و زندگی فرهنگی را باید در کشورهایی که سنت صوفی دارند، همانند افغانستان و عراق مورد تشویق قرار داد. صوفی‌گری با نگرش خود نسبت به ادبیات، موسیقی و فلسفه می‌تواند نقشی بسیار مهم در عضویت‌های مذهبی ایفا کند (بنارد، ۱۳۸۴: ۹۱).

## ۳.۲. مراکز تفسیر قرآن

از حدود پنج دهه قبل، ابتدا در شهرستان خاش و زاهدان به همت مولوی عثمان قلندرزی ریگی، امام جمعه مسجد الخلیل و مدیر مدرسه دینی مدینه العلوم خاش، و مولوی نعمت‌الله توحیدی، مدرس مدرسه مکی زاهدان، تفسیر قرآن به سبک رایج در ایالت پنجاب پاکستان (که این استادان نیز فارغ‌التحصیل آنجا بودند) آغاز شد. در حال حاضر نیز چند مرکز دیگر به آنها افزوده شده است؛ یکی در مدرسه دینی فاروقیه محمودآباد گالیکش استان گلستان به همت مولوی محمدحسین گرگیچ، امام جمعه آزادشهر و مدیر مدرسه دینی مذکور دایر شده، و دیگری به همت مولوی عبدالغنی بدری (شه‌بخش) معاون آموزشی دارالعلوم مکی زاهدان در زاهدان. غالب مخاطبان این کلاس‌ها که در ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود از سراسر کشور هستند و پس از گذراندن مدت لازم مدرک تفسیر را نیز دریافت می‌کنند.

## ۳. شورای روحانیان

روحانیان بلوچ دو شورا دارند؛ یکی رسمی و دیگری غیررسمی. شورای اول عبارت است از «شورای هماهنگی حوزه‌های علمیه اهل سنت» یا همان شورای وفاق المدارس به مرکزیت

دارالعلوم مکی زاهدان و با مسئولیت مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی و عضویت علمای تراز اول شهرستان‌های استان که تعدادشان به تعداد رؤسای مدارس تحت پوشش، یعنی حدود ۶۰ نفر است. هدف این شورا، رسیدگی به امور مختلف تعلیم و تربیت در حوزه‌های علمیه از قبیل ثبت‌نام، امتحانات، تعطیلات، مراسم‌ها، امور مالی و ... است. هدف شورای غیررسمی مطرح کردن علمای شاخص اهل سنت و معرفی آنان به مردم، مسئولان، علما و طلاب به عنوان مرجع است که نمود آن در سخنرانی‌های ختم صحیح بخاری است. در رأس این گروه به ترتیب اهمیت و کثرت، عنوان «شیخ‌الاسلام»، «شیخ‌الحديث»، «شیخ‌القرآن»، «صدرالمدرسين»، «مفتی اعظم»، «شیخ‌التبلیغ» و «شیخ‌التفسیر» قرار دارد.

#### ۴. امور دانشجویی

برای ایجاد رویه واحد و ارتباط حوزه و دانشگاه و ارتباط دانشجویان، استادان دانشگاه‌ها و معلمان با مدارس دینی و تغذیه دینی و روحیه دین‌فهی و دین‌باوری دانشجویان از طریق کمک‌های مالی، تأمین خوابگاه و مدرک‌دادن به معلمان و دانشجویانی که حاضرند به صورت پاره‌وقت به مدت چهار سال در مدارس دینی درس بخوانند، و با ایجاد مربع «تعلیم و تربیت» (آموزش و پرورش)، «آموزش عالی» (دانشجویان و استادان دانشگاه‌ها)، «حوزه علمیه» (دارالعلوم مکی زاهدان) و «جماعت تبلیغ» (تربیت مبلغ و سخنران) اقدام به جذب آنان کرده و در همین راستا به طور مرتب، سالانه جلسات دانشجویی از سراسر کشور در دارالعلوم مکی زاهدان برگزار می‌شود.

#### ۵. نمازهای تراویح

تمامی مذاهب چهارگانه اهل سنت به آن معتقدند. بعضی از مذاهب در تعداد رکعات یا اصل اینکه برای آن، عدد مشخص شده یا نه با هم اختلاف دارند (عثمانی، ۱۳۷۵: ۱۱). «تراویح» جمع «ترویحه» است، به معنای یک بار استراحت‌کردن و مأخوذشده از مصدر «الراحة»، چنان‌که «تسلیمه» به معنای یک بار سلام‌دادن است و از مصدر «اسلام» مأخوذ شده است. نماز جماعت را در شب‌های ماه رمضان، از آن جهت «تراویح» می‌نامند که در آغاز، هنگامی که مسلمانان نماز می‌گزارند، پس از دو سلام چهار رکعت، استراحت می‌کردند. دیوبندیان نماز تراویح را در بیست رکعت با ده بار سلام‌گفتن، به صورت دورکعتی مانند نماز صبح، می‌خوانند و پس از هر دو بار سلام‌گفتن، یعنی بعد از چهار رکعت، یک بار استراحت برگزار می‌کنند. حتی الامکان در هر مسجد

یک نفر حافظ قرآن است که یک، دو یا سه دهه ماه مبارک رمضان را معتکف می‌شود و به عنوان امام جماعت مردم در جلو قرار می‌گیرد و از شب اول ماه رمضان، از ابتدای قرآن مجید، در هر رکعت یک جزء یا بیشتر از آیات را می‌خواند و معمولاً تا شب بیست و یکم و تا آخر ماه رمضان، یک دوره قرآن مجید را، در نمازهای جماعت تراویح، ختم می‌کند.

## ۶. ختم قرآن

با پایان یافتن یک دوره ختم قرآن مجید در نمازهای تراویح، از اواخر دهه دوم و در دهه آخر ماه مبارک رمضان، چند مسجد مهم را در هر شهر در نظر می‌گیرند و برای تبرک و بزرگداشت ختم قرآن در نماز تراویح، جلسات دینی و مذهبی به نام جلسه ختم تراویح یا ختم قرآن برگزار می‌کنند. غالب مردم علاقه دارند در این گونه جلسات شرکت کنند و از گوشه و کنار شهر خود را به مسجد محل برگزاری جلسه برسانند و با اقامه تراویح به امامت جماعت یکی از شخصیت‌های بانفوذ، علمی و محبوب، مراسم را شروع کنند. بعد از اقامه تراویح، سخنرانی و دعاهای طولانی که غالباً با گریه خطیب و مستمعان همراه است، صورت می‌گیرد.

## ۷. نمازهای جمعه و جماعت

از دیگر شیوه‌های تبلیغ دینی در بین همه مسلمانان، اقامه نماز جمعه است. از آنجا که در برگزاری و اقامه نماز جمعه از نظر فقه حنفی در شهرها و روستاهای بزرگ محدودیتی وجود ندارد و برگزاری و اقامه آن را واجب می‌دانند، در بسیاری از مساجد استان نماز جمعه اقامه می‌شود. در بعضی از شهرهای بزرگ شبه‌قاره مانند کراچی پاکستان قریب به ده‌ها نماز جمعه در یک شهر برگزار می‌شود. در ایران نیز به همین شیوه است. مثلاً در شهر زاهدان در ۲۵ مسجد، نماز جمعه اقامه می‌شود و سخنرانان قبل از ایراد خطبه‌های جمعه در موضوعات دینی سخنرانی می‌کنند. سخنرانی امام جمعه مانند مذهب شیعه جزء خطبه‌ها نیست، بلکه سخنرانی عادی در موضوعات دینی و مذهبی است که ممکن است به زبان فارسی یا بلوچی باشد. دو خطبه نماز جمعه را امام جمعه با گرفتن عصایی در دست به زبان عربی قرائت می‌کند و چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشد که آن هم یا از حفظ است یا از روی نوشته.

## ۸. مصلی‌ها (عیدگاه‌ها) و نمازهای عیدین

مصلی فضایی آزاد، وسیع، آماده‌شده و بعضاً محصور است که در بیرون و حاشیه شهر و روستا قرار گرفته و به هنگام عیدین در آن نماز می‌گزارند. «مصلی» از نظر لغوی کلمه‌ای است عربی به معنای

محل نماز، نمازگاه و جایی که مردم در عید فطر و قربان در آن نماز می‌گزارند (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۱: ۱۸). از مراکز فرهنگی معاصر بلوچ، اماکنی به نام «عیدگاه» یا «مصلی» است. نمازهای جنازه نیز در این اماکن برگزار می‌شود. از اعیاد مهم مسلمانان عید فطر و عید اضحی (قربان) است. بلوچ‌ها نیز مانند بقیه مسلمانان اهتمام و توجه خاصی به بزرگداشت این دو عید دارند که با اقامه نماز آن دو، در روز عید شروع می‌شود. سه روز تا یک هفته کلیه کارهای خود را تعطیل می‌کنند. حوزه‌های علمیه هم در این ایام تعطیل است. بهترین لباس را در این اعیاد می‌پوشند و به دید و بازدید اقوام (صله رحم) و دوستان خویش مشغول می‌شوند. مشکلات مالی مدارس دینی و جمع‌آوری منابع مالی نیز در بعضی از جاها در این روز به استماع نمازگزاران رساننده می‌شود؛ و در همان روز افراد مختلفی مأمور جمع‌آوری عطایا، هدایا و اعانات مادی می‌شوند.

#### ۹. انتشارات، نشریات، رسانه‌ها و مراکز خیریه

بیش از پنجاه سال قبل، نشریه‌ای به همت انجمن طلاب اهل سنت ایران به نام پیام اسلام در پاکستان منتشر می‌شد که بعدها به پیام حق تغییر نام داد. از سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵ ه.ش. با روی کار آمدن دولت اصلاحات در ایران، برای اولین بار توانستند از طریق عطاءالله مهاجرانی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجوز فصل‌نامه‌ای اسلامی به نام ندای اسلام را مرتبط با نهاد اسلامی دارالعلوم مکی زاهدان در داخل استان دریافت کنند که گستره توزیع آن بین‌المللی است. رسانه‌های همسو با مسائل اسلامی، به جز نشریه فوق، از ثبات برخوردار نیست. برخی از مراکز دینی، نشریات موقت و ویژه‌نامه راه‌اندازی کردند. با ایجاد شبکه‌های اجتماعی خلأ بی‌خبری رسانه‌ای و کُندی اطلاع‌رسانی جبران شد. در حال حاضر، حتی گروه‌های جماعت تبلیغ، که مخالف تبلیغ از طریق اخبار و نشریات بودند، از این بستر برای رساندن پیام‌های خویش بهره می‌گیرند.

علما از برخی از نشریات مدارس دینی پاکستان از جمله البلاغ، متعلق به دارالعلوم کراچی و الفاروق از نشریات جامعه فاروقیه نیز استفاده می‌کنند. یکی از بخش‌های فرهنگی و علمی دارالعلوم مکی زاهدان انجمن شعر و ادب است که بیشترین فعالیتش بر زبان بلوچی متمرکز است. هر نوشته، فتوا، کتاب، سخنرانی و مجله در مدت بسیار کمی از طریق کتاب‌فروشی‌ها در دسترس مردم قرار می‌گیرد. از آنجا که تشریفات خاصی در چاپ کتاب و نشریه در پاکستان وجود ندارد و اگر هم وجود دارد مدت زمان آن سهل و آسان است، اکثر کتاب‌های این منطقه در زمان گرانی یا

فقدان کاغذ در ایران، در پاکستان به چاپ می‌رسد و هزینه چاپ نیز در آنجا ولو با کیفیت پایین، مقرون به صرفه است.

رادیو بلوچی کار خویش را از شش دهه قبل آغاز کرد و هنوز هم برنامه‌های آن ادامه دارد. در تلویزیون نیز به مناسبت‌هایی افرادی از اهل سنت برای تشریح مسائل اسلامی برنامه اجرا می‌کنند. تفاوت ماهوی در برنامه‌های بعد از انقلاب این است که نگاه ایدئولوژیکی بر نگاه جامعه‌شناسانه و واقع‌گرایانه غلبه دارد. کسانی بر صحنه تلویزیون حاضر می‌شوند یا در رادیو به مسائل دینی می‌پردازند که عنوان «کارشناس مذهبی» دارند. سیما نیز به منظور ایجاد وحدت و همدلی میان اقوام به صورت یک روز در میان دو برنامه سیتک روستا (Seitake-Roosta)<sup>۴</sup> برای سیستانی‌ها و مهر-هینکین (Mehre-Heankeen)<sup>۵</sup> برای بلوچ‌ها اجرا می‌کند که به جز برخی مسائل کارشناسی از بدوی‌ترین مسائل جامعه‌شناختی به شمار می‌آید. حتی بسیاری از مردم معنای نام این دو برنامه را نمی‌دانند. روزی که لهجه زابلی پخش می‌شود، بلوچ از آن چیزی نمی‌فهمد و روزی که برنامه بلوچی است زابلی چیزی نمی‌فهمد، مگر اندکی.

## ۱۰. مجالس جشن و سوگواری

در بعضی از مناطق بلوچستان ایران، در مجالس جشن‌های عروسی یک نفر روحانی باسواد و بانفوذ منطقه را برای سخنرانی در جمع مردان دعوت می‌کنند و قبل از جلسه عقد و نکاح، در موضوع دینی و مذهبی بسته به ذوق سخنران مطالبی بیان می‌شود. در مجلس فوت افراد نیز، وقتی افراد به صورت دسته جمعی از اقوام و مناطق مختلف برای عرض تسلیت به صاحب‌عزا، در مراسم پُرسه (فاتحه‌خوانی) حاضر می‌شوند (ناصح، ۱۳۴۵: ۸۹)، یک نفر مولوی چند دقیقه‌ای راجع به آخرت و موت و بی‌ارج و ارزش بودن دنیا برای افراد سخنرانی می‌کند. آنگاه آیاتی از قرآن می‌خوانند و دعا می‌کنند و با هم احوال‌پرسی می‌کنند. ممکن است در یک روز ده‌ها روحانی برای افراد مختلف سخنرانی کنند. اگر گروه وارد شده به مجلس همراه خود، مولوی (روحانی) دارند او نیز این وظیفه را بر عهده دارد و الا روحانی‌ای که در مجلس نشسته و برای این کار مسئولیت دارد، اعمال فوق را انجام می‌دهد. بیشترین توجه را به نماز میت (مشهور به نماز جنازه) و تشییع جنازه و دفن میت دارند. در مراسم تشییع جنازه یک نفر مولوی درباره معاد و قیامت تبلیغ می‌کند و بعد از دفن میت، مولوی‌ها غالباً اعلام می‌کنند که ما هیچ‌گونه مراسم عزاداری و فاتحه‌خوانی و پرسه

نداریم و خود مولوی‌ها عامل به این هستند، اما بیشتر مردم چندان استقبالی از این کار نشان نمی‌دهند و همان فرهنگ پُرسه‌داری خویش را با ضعف و شدت ادامه می‌دهند.

### ۱۱. ختم صحیح بخاری: جشن فارغ‌التحصیلی طلاب

هر ساله پس از اتمام دوره تحصیلی حوزه‌های علمیه برای افرادی که تحصیلاتشان را به اتمام رسانده‌اند جشنی به نام ختم صحیح بخاری در مدارس، عیدگاه‌ها، یا فضاهای باز برگزار می‌شود. در این مراسم، چنان‌که قبلاً ذکر شد، علمایی که در آینده باید مرجعیت علمی و دینی مردم را داشته باشند سخنرانی می‌کنند. غالباً سخنرانی علمای مذهبی، درباره روند پیشرفت حوزه‌های علمیه، اهمیت علم، عظمت امام بخاری مؤلف کتاب صحیح بخاری است که صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن است. در پایان جلسه، تبرکاً آخرین حدیث کتاب صحیح بخاری را یکی از معمرترین محدثان قرائت می‌کند. در حقیقت، آخرین جلسه درس کلاس صحیح بخاری با قرائت این حدیث پیامبر ﷺ در حضور شرکت‌کنندگان خاتمه می‌یابد: «کلماتان خفیفتان علی اللسان، ثقیلتان فی المیزان، حبیبتان الی الرحمان: سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظیم». سپس با دعا، عمامه‌گذاری و اعطای هدیه، اغلب از طرف مردم و متولیان مدارس علوم دینی، جلسه پایان می‌پذیرد. یکی از اهداف مهم این‌گونه جلسات، ترغیب و تشویق مردم، خصوصاً ثروتمندان خیر، برای کمک به حوزه‌های علمیه است.

درباره اهمیت این‌گونه جلسات همین بس که در حال حاضر از سطح شهرستان، بخش و دهستان نیز فراتر رفته و به روستاها کشیده شده و روز به روز بر کثرت آن افزوده می‌شود؛ همچنین، پیش‌تر مختص فارغ‌التحصیلان مرد بود، اما امروزه از فارغ‌التحصیلی اتمام دوره تقریباً دوازده‌ساله علوم دینی به جامعه زنان و نیز به حافظان قرآن هم کشیده شده است.

### ۱۲. جنبش دعوت و تبلیغ یا جماعت تبلیغ

در اسلام سنی حنفی وابسته به تفکر دیوبندی (اسعدی قاسمی، ۲۰۰۰: ۲۶۷)، از سال ۱۸۵۷، یعنی شکست مسلمانان شبه‌قاره در مقابل استعمار بریتانیا، جنبش جدیدی ظهور کرد که عوامل مختلفی در آن مؤثر بود، از جمله زمزمه سقوط خلافت، خرافات و بدعت‌های متصوفه، اذیت و آزار بریتانیایی‌ها با شعار «هندی اللون والشکل و انگلیسی الفکر» (قاسمی، ۱۳۷۹)، درگیری هندوها با مسلمانان و ... این جنبش بیش از هر چیز دغدغه‌تغییر، و بازگشت به دوران رسالت اولی

خیرالقرون را در سر می‌پروراند. این جریان با الهام از جریان‌های دینی و فرهنگی دیگر مسلمانان شبه‌قاره، حرکت جدیدی به نام «جماعت تبلیغ» از خود بر جای گذاشت و ایدئولوژی سه‌مجدد شبه‌قاره، یعنی شیخ احمد سهرندی، شاه‌ولی‌الله دهلوی و سید احمد عرفان را سرلوحه کار دینی و سیاسی خود قرار داد و با استفاده از طریقه عرفانی جمالی (در مقابل جلالی) از شاخه نظامی تصوف چشتیه (در مقابل شاخه صابریه)، تجربه جدیدی از تکنولوژی قدرت (اجرای شریعت، نهاد خودفرمانده و خودسازمان ده) سامان داد.

جنبش جماعت تبلیغ، که به جنبش ایمان مشهور بود، اهدافش را بر اساس آیه قرآن مجید قرار داد: «شما بهترین جامعه‌ای هستید که به بشریت ارائه گردید، شما آنچه را که معروف است امر می‌کنید و آنچه را که منکر است، منع می‌کنید و به خداوند اعتقاد دارید» (ندوی، ۱۳۷۹: ۱۱۰). اندیشه مولانا الیاس، بنیان‌گذار این جریان، برداشت از سیاست و اندیشه سیاسی جدیدی به نام «دعوت و تبلیغ» است. این حرکت از دهه چهل در ایران آغاز شد و در حال حاضر صدها هزار نفر نیرو در استان دارد. از دهه شصت قدرت گرفته و دارای ساختار سیاسی منسجمی است.

شیوه تبلیغ این گروه‌ها به صورت هجرت از منطقه‌ای به منطقه دیگر است. در سراسر دنیا هم‌زمان شش موضوع ثابت و تعیین‌شده را در مساجد تبلیغ می‌کنند که عبارت است از: کلمه یا شهادتین، نماز، علم و ذکر، اکرام و احترام مسلمانان، دعوت و تبلیغ، اصلاح و اخلاص‌نیت. مدت‌زمان نصاب تبلیغ کسی که باید عضو ثابت و پای‌بند به جماعت تبلیغ محسوب شود از بیشتر به کمتر از یک سال، هفت ماه، چهل روز و سه روز است. یک سال و هفت ماه تبلیغ یک بار در طول عمر کفایت می‌کند ولی چهل روز در هر سال و سه روز در هر ماه و دو گشت (رفتن به مسجد به منظور دعوت مردم برای پیوستن به گروه‌های تبلیغ) در هر هفته باید تکرار شود.

محل آموزش کسانی که یک سال اعزام می‌شوند بخش رایوند لاهور پاکستان است و دستورهای صادرشده برای برگزاری اجلاس سالانه و حل و فصل اختلافات مربوط به جماعت‌ها و تعیین مرکز جدید در کشورها و انتخاب رئیس (امیر) برای مراکز جماعت تبلیغ بر عهده مرکز معنوی و مشورتی شورای محله نظام‌الدین دهلی هند است.

### ۱۳. شوراهای حل اختلاف

امور مردم در مناطق قومی بیشتر در مجالس ختم اموات، جشن و عروسی، حل اختلافات و دید و بازدید در قالب مردم‌داری پیگیری می‌شود. از گذشته‌های دور، بیشتر حل اختلافات مردم بر عهده



روحانیان بوده و کماکان این رویه ادامه دارد. در دوران ملوک الطوائفی، خان و سردار طایفه در جلسات رسمی که به آن «دیوان» می‌گفتند یک نفر روحانی را در کنار خویش و نیز در سفرها همراه داشتند، چه اینکه مقدمه فاتحه مجلس اموات نیز بر عهده آن روحانی است. در زمان رشد و نهضت مذهبی جدید بلوچستان، علاوه بر حل اختلافات کوچک در منزل علما، اختلافات و رسیدگی به قتل‌ها به مدارس دینی کشیده شد و امروزه بیشتر اختلافات فراتر از دادگاه‌ها در همین مدارس و به دست علمای متبحر در این فن صورت می‌گیرد. علی‌رغم شکل‌گیری شوراهای حل اختلافات قوه قضاییه در تمامی شهرستان‌ها، یک نفر روحانی نقش کلیدی در این زمینه ایفا می‌کند.

#### ۱۴. دارالافتاءها

دارالافتاء محلی است برای یک مقطع تحصیلی بالاتر از اتمام دروس دوازده‌ساله طلاب اهل سنت که به عنوان مولوی فارغ‌التحصیل می‌شوند. کسانی که دو سال در رشته‌های «فتوا» و «قضاوت» در سه مرکز مهم فتوای استان، «حوزه علمیه دارالعلوم مکی» شهرستان زاهدان، «حوزه علمیه مخزن العلوم» شهرستان خاش و «حوزه علمیه عین العلوم» دهستان گشت شهرستان سراوان، آموزش ببینند به عنوان مفتی فارغ‌التحصیل می‌شوند. این دو سال تخصص یا در پاسخ استفتانات و صدور فتوا است که مفتی در فتوا خواهد بود، یا در حل اختلافات که مفتی در قضاوت خواهد بود.

#### نتیجه

۱. تقدم مذهب بر قومیت، می‌تواند دلایل و اسباب گوناگونی داشته باشد که برخی به عملکردها و واقعیت مقوله مذهب و قومیت برمی‌گردد و برخی به گرایش‌ها و گزارش‌های متصدیان امر ارتباط دارد، اما مسئله اصلی آنجا است که در موضوعی خود قوم بلوچ هم پذیرفته‌اند، اختلاف برداشت و استنباط مشهود است. برای پاسخ به این پرسش، پیش از هر نظری ناچار باید بین قومیت و مذهب، بررسی جامعه‌شناختی به صورت مقارنه‌ای و مقایسه‌ای صورت گیرد تا روشن شود در جایی که متن پذیرفته شده برای مذهب موجود است چه تفاوت استنباط‌هایی صورت گرفته، و پس از تتبع در نهادهای دو موضوع قومیت و مذهب و برشمردن سازمان‌ها و نهادهای آن دو، بررسی و جمع‌بندی صورت گیرد.

۲. در این تحقیق پس از تتبع و بررسی برخی از سازمان‌ها و نهادهای وابسته به مذهب، پنج عامل اصلی مانند مدارس دینی، جماعت تبلیغ، جریان‌های مذهبی سیاسی، کثرت نمازهای جمعه

و نمازهای تراویح شناسایی شد که موجب برتری مذهب بر قومیت شده است. همچنین، به مصادیق هر یک از اینها اشاراتی کردیم.

## پی‌نوشت‌ها

۱. خداوند در ابتدای قرن، مجددی را برمی‌انگیزاند تا دینش را احیا کند.
۲. شورای هماهنگی حوزه‌های علمیه اهل سنت استان سیستان و بلوچستان که مدارس خراسانات و بخشی از هرمزگان نیز از روش و نظام درسی آن تبعیت می‌کنند.
۳. ابوالاعلی مودودی، امیر جماعت اسلامی پاکستان.
۴. ترانه‌هایی که به زبان محلی اهالی روستا با هم می‌خواندند. در حال حاضر این سنت محلی متروک شده است.
۵. هینکین که جمع گیس (خانه) است، به محدوده کوچک یا چند منزل یا سیاه‌چادر گفته می‌شود که کنار هم قرار گرفته‌اند. مهر هینکین یعنی خانه مهر، دیار مهر.

## منابع

- اسعدی قاسمی، محمد عبید الله (۲۰۰۰). دارالعلوم دیوبند، هند: نشر مکتب دیوبند.
- بنارد، چریل (۱۳۸۴). اسلام دموکراتیک مدنی، ترجمه: عسگر قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.
- عثمانی، محمدتقی (۱۳۷۵). تحقیقی پیرامون نماز تراویح، ترجمه: عبدالله ریگی، زاهدان: صدیقی.
- قاسمی، محمد طیب (۱۳۷۹). تحلیلی دقیق از اوضاع حوزه‌های علمیه، ترجمه: صلاح‌الدین شهنوازی، زاهدان: صدیقی.
- معلوف، امین (۱۳۸۹). هویت‌های مرگبار، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نی.
- ملازاده، کاظم؛ محمدی، مریم (۱۳۸۱). «مدارس و بناهای مذهبی»، در: دائرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی/ ۵، تهران: سوره مهر.
- ناصر، ذبیح‌الله (۱۳۴۵). فرهنگ مردم بلوچستان، تهران: فرانکلین.
- ندوی، سید علی ابوالحسن (۱۳۷۹). تاریخچه دعوت اسلامی و ادوار آن در هند، ترجمه: محمدقاسم قاسمی، زاهدان: صدیقی.

## References

- Asadi Ghasemi, Mohammad Obeydollah. 2000. *Dar al-Olum Deoband*, India: Deoband School Publishing.
- Benard, Cheryl. 2005. *Islam Demokratik Madani (Civic Democratic Islam)*, Translated by Asgar Ghahremanpur, Tehran: Research Institute for Nonprofit Strategic Studies
- Ghasemi, Mohammad Tayyeb. 2000. *Tahlili Daghig az Oza Hozeh-hay Elmiyeh (Accurate Analysis of the Situation of Seminaries)*, Translated by Salah al-Din Shahnawazi, Zahedan: Seddighi. [in Farsi]
- Maluf, Amin. 2010. *Howiyat-hay Margbar (Deadly Identities)*, Translated by Abd al-Hoseyn Nikgozar, Tehran: Ney. [in Farsi]
- Mollazadeh, Kazem; Mohammadi, Maryam. 2002. "Madares wa Bana-hay Mazhabi (Religious Schools and Buildings)", in: *Encyclopedia of Iranian Historical Monuments in the Islamic Period/ 5*, Tehran: Sureh Mehr. [in Farsi]
- Nadwi, Seyyed Ali Abu al-Hasan. 2000. *Tarikhcheh Dawat Islami wa Adwar An dar Hend (History of Islamic Invitation and Its Periods in India)*, Translated by Mohammad Ghasem Ghasemi, Zahedan: Seddighi. [in Farsi]
- Naseh, Zabihollah. 1966. *Farhang Mardom Baluchestan (Culture of the People of Bulochistan)*, Tehran: Franklin. [in Farsi]
- Othmani, Mohammad Taghi. 1996. *Tahghighi Piramun Namaz Tarawih (Research on Tarawih Prayer)*, Translated by Abdollah Reygi, Zahedan: Seddighi. [in Farsi]